

بررسی رابطه پنج عامل شخصیتی NEO-FFI با رضایت زناشویی

نویسندگان: دکتر زلیخا قلی‌زاده^۱، لیلی بزرگری^۲، حسن غریبی^{۳*} و دکتر
جلیل باباپور خیرالدین^۴

۱. استادیار دانشگاه کردستان
۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی
۳. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سقز
۴. دانشیار دانشگاه تبریز

* Email: Gharibi@Tabrizu.ac.ir

چکیده

هدف این پژوهش تعیین رابطه بین ویژگی‌های شخصیت و رضایت زناشویی بود. جامعه آماری تحقیق، مردان و زنان متأهل شهر تبریز بودند که از بین آنها ۱۶۰ نفر (۸۰ زن و ۸۰ مرد) با روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای (تصادفی + خوشه‌ای) انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (۴۷ سؤالی) و پرسشنامه شخصیت NEO-FFI (۶۰ سؤالی) جمع‌آوری شدند. تحلیل داده‌ها در ابتدا با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و سپس تحلیل رگرسیون انجام شد. نتایج به‌دست آمده نشان داد که رابطه معناداری بین ویژگی‌های شخصیت و رضایت زناشویی وجود دارد. از بین ابعاد شخصیت روان رنجورخویی و پذیرا بودن به ترتیب سهم بیشتری در پیش‌بینی متغیر رضایت زناشویی داشتند.

کلید واژه‌ها: پنج عامل شخصیت، رضایت زناشویی

دانشور

رفتار

روان‌شناسی بالینی و شخصیت

• دریافت مقاله: ۸۷/۷/۲۳

• تاریخ ارسال برای داوران:

داور اول: ۸۷/۸/۱۳

داور دوم: ۸۷/۸/۱۳

داور سوم: ۸۷/۸/۱۳

• تاریخ بازگشت از داور:

داور اول: ۸۷/۸/۲۷

داور چهارم: ۸۷/۹/۳۰

داور پنجم: ۸۷/۹/۶

• تاریخ ارسال اصلاحات:

اصلاح ۱: ۸۷/۱۰/۹

اصلاح ۲: ۸۸/۲/۵

اصلاح ۳: ۸۸/۱۲/۱۸

• تاریخ بازگشت اصلاحات:

اصلاح ۱: ۸۷/۱۱/۲۷

اصلاح ۲: ۸۸/۳/۳

اصلاح ۳: ۸۹/۱/۲۵

• تاریخ ارسال برای داور نهایی:

نهایی ۱: ۸۷/۱۲/۷

نهایی ۲: ۸۸/۳/۱۲

• تاریخ بازگشت از داور نهایی:

نهایی ۱: ۸۸/۱/۲۳

نهایی ۲: ۸۷/۱۱/۱۹

• تاریخ پذیرش: ۸۹/۲/۱۵

Scientific-Research Journal
Of Shahed University
Seventeenth Year, No.43
Oct.-Nov. 2010
Clinical Psy & Personality

دوماهنامه علمی - پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال هفدهم - شماره ۴۳

آبان ۱۳۸۹

مقدمه

ارتباطات خانوادگی دارد، کیفیت روابط زناشویی مفهومی چند بعدی است و شامل ابعاد گوناگون ارتباط زوجین مانند سازگاری، رضایت، شادمانی، انسجام و تعهد می‌شود. ازدواج خوب و مناسب افراد را قادر می‌سازد تا به حسی از معنای هویت در زندگیشان دست یابند [۱]. مطالعات گوناگون نشان داده‌اند که افراد

ازدواج اساسی‌ترین و مهم‌ترین رابطه انسانی توصیف شده است، چون ساختار اولیه برای تشکیل یک رابطه خانوادگی را فراهم می‌کند و تولید نسل را ممکن می‌سازد. یکی از ابعاد روابط زوجین کیفیت روابط زناشویی است که نقش اساسی در ارزیابی کیفیت کلی

افسردگی، احساس پوچی، ناامیدی و از خود بیگانگی تجربه می‌شود و ضربات مهلکی بر پیکر جامعه وارد می‌آورد [۸]. تحقیقات نشان می‌دهد که وجود تنیدگی در روابط زناشویی، زوج‌ها را بسوی افزایش احساس افسردگی سوق می‌دهد، احساسی که پیامد مستقیم آن کاهش عزت نفس و خودکارآمدی آنها است [۹]. نتایج تحقیق اخیر هولیست (Hollist, C. S) و همکاران نشان داد که رضایت زناشویی پیش‌بینی‌کننده قوی برای افسردگی است [۱۰]. طی مطالعه‌ای داود (Dowd, D. A) و همکاران دریافتند که هم در مردان و هم همسرانشان بین خود افسایی و رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج نشان داد زوج‌ها که اسناد منفی پایین را گزارش می‌کنند رضایت زناشویی بیشتری را نشان می‌دهند. همچنین در مردان خود افسایی رابطه بین اسناد و رضایت زناشویی را وساطت می‌کند [۱۱]. سن پایین در ازدواج، خشونت در خانواده اصلی، الگوهای منفی تعامل و اسناد منفی جزء عواملی است که به وفور مد نظر قرار گرفته است [۱۲]. سطح تحصیلات، درآمد و نژاد نیز بر رضایت زناشویی تأثیر دارند. درآمد بیشتر منجر به رضایت بیشتر می‌شود. به نظر می‌رسد، داشتن فرزند تأثیر منفی در رضایت زناشویی دارد [۶]. هلر و واتسون (Heller, D., & Watson, D) دریافتند که بین رضایت شغلی و رضایت زناشویی رابطه مثبتی وجود دارد [۱۳].

تحقیقات زیادی نشان داده که زوج که مدتی طولانی از ازدواجشان می‌گذرد بهتر قادرند تا عواطف و هیجانشان را در برابر سختی و مشکلات تنظیم کنند و رضایت بیشتری نسبت به زوج‌ها جوانتر تجربه کنند [۱۴]. این ممکن است به این علت باشد که آنها توانسته‌اند تعارضاتشان را با عواطفشان هموار کرده و یا اینکه به مرور زمان برخی تعارضات کم اهمیت شده‌اند. صدق‌آمیز در پژوهش خود عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی در ۵۷۷ نفر از زنان متأهل شیراز را مورد بررسی قرار داد که در این پژوهش بین تعداد فرزند، سن ازدواج، تحصیلات مرد، منزلت شغلی مرد، اشتغال

زمانیکه متأهل می‌شوند نسبت به دوره مجردی سالمتر و شادترند [۲]. افراد ازدواج می‌کنند، حتی با وجود اینکه آنها اغلب نمی‌دانند از ازدواج چه می‌خواهند و چه به دست خواهند آورد. بسیاری از ازدواج‌ها منجر به طلاق می‌گردد و اکثر ازدواج‌هایی که تداوم دارند دارای عملکرد ضعیف و نارضایتی هستند. شناسایی زوج‌های موفق و نا موفق، مؤلفه ضروری برای جلوگیری از استرس زناشویی و افزایش کیفیت رابطه زناشویی است [۳]. آنچه در ازدواج مهم است سازگاری زناشویی و رضایت از ازدواج است. مطالعه علمی سازگاری زناشویی توجه جالبی را از دهه ۱۹۹۰ تا کنون پیدا کرده است [۴]. رضایت زناشویی چنین تعریف شده است: الف: توافق زن و شوهر در مورد اموری که ممکن است مسایل حادی به بار آورد. ب: علایق و فعالیت‌های مشترک ج: ابراز علاقه علنی مکرر و اعتماد متقابل د: شکوه و شکایت اندک ه: شکایت نادر از احساس تنهایی، سیه بختی، رنجش و... [۵].

تحقیقات زیادی درباره علل دوام و یا نارضایتی از ازدواج‌ها نشان داده‌اند که کیفیت ضعیف روابط زناشویی منجر به جدایی و طلاق می‌شود [۶]. با وجود آنکه هیچ زوجی با هدف جدایی ازدواج نمی‌کند و تقریباً همه زوج‌ها به امید یک زندگی درازمدت توأم با آرامش و خوشبختی پیوند می‌بندند اما در رهگذر زمان بسیاری از ازدواج‌ها به بن بست رسیده و به جدایی ختم می‌شوند. آمار بالای طلاق در دهه‌های اخیر بیانگر وجود ناسازگاریهای زناشویی است. بنابراین با افزایش آمار طلاق و با توجه به صدمات جبران‌ناپذیر آن یافتن عوامل مؤثر در نارضایتی‌های زناشویی و اتخاذ راهکارهای مناسب جهت حذف این عوامل ضروری است. افزایش آمار طلاق در جامعه ما از ۷/۲ درصد تا ۱۶ درصد در ظرف یک سال نشانگر این مدعا است [۷]. ناسازگاری‌ها و اختلاف زن و شوهرها با یکدیگر چه به طلاق بینجامد و چه به صورت فرسایشی کشمکش‌های طاقت فرسایی را به بار آورد آثار روانی - اجتماعی آن هم برای زن و شوهر هم برای فرزندان آنها به صورت

زن، تفاوت سنی زوجین، تحصیلات زن، نحوه آشنایی با همسر و نسبت خویشاوندی با سازگاری زناشویی رابطه معناداری نشان داد [۱۵]. توجه به این موضوع و ارائه راهکارهای مناسب جهت افزایش رضایت زناشویی در زوجین از طرق مختلف و همچنین تلاش در جهت بهبود همسر گزینی و انتخاب مناسب و آگاهانه همسر و کمک به آنها برای شادمانی بیشتر از زندگی، ضروری به نظر می‌رسد. بیشتر پژوهش‌هایی که در کشور ما در زمینه علل سست شدن پیوندهای زناشویی و نارضایتی زوجین از زندگی زناشویی شان صورت گرفته بر متغیرهای کلان از جمله وضعیت اقتصادی، کاهش درآمد خانوار، بیکاری، تحصیلات، مذهب، سن و چالش‌های فرهنگی - اجتماعی تأکید کرده‌اند. در حالی که نقش این عوامل را در افزایش نارضایتی‌ها و ناسازگاریهای زناشویی نمی‌توان نادیده گرفت، اکثر پژوهشگران از عواملی مانند صفات و ویژگی‌های شخصیتی که در دراز مدت و به صورت پایدارتری رضایت زوجین از زندگی زناشویی شان را متأثر می‌سازد، غفلت کرده‌اند. به همین جهت ضروریست با دیدگاهی آسیب شناختی به علل درون فردی ناسازگاری‌ها و نارضایتی‌های زناشویی و عدم موفقیت در ازدواج‌ها پرداخته و نقش عوامل شخصیتی در رضایت زناشویی مورد بررسی قرار گیرد.

بسیاری از مطالعات پیشنهاد می‌کنند که عوامل خاصی از شخصیت می‌توانند امکان پیش‌بینی رضایت زناشویی را فراهم کنند. برای نمونه در پژوهشی مشخص شد که عوامل شخصیت بهتر از سایر عوامل فردی و اجتماعی پایداری زناشویی را تبیین می‌کنند [۱۶]. رویکرد صفات به شخصیت امروزه جایگاه ویژه‌ای را در مطالعات شخصیت کسب کرده است. بسیاری از محققان رویکرد صفات برآنند که می‌توان صفات را بر اساس پنج بعد گسترده‌تر و دو قطبی تنظیم کرد. این ابعاد به عنوان پنج عامل بزرگ خوانده می‌شوند. روان‌شناسان صفات در مورد اینکه پنج بعد یا عامل اصلی در توصیف همه صفات شخصیت وجود دارد،

اتفاق نظر دارند [۱۷]. این پنج عامل که به پنج بزرگ معروفند عبارتند از: روان آزاده خوبی (Neuroticism)، برونگرایی (extroversion)، سازگاری (Agreeableness)، پذیرا بودن به تجربه (Openness) و مسئولیت‌پذیری (Consciousness.)

نظریه شخصیت با استفاده از دیدگاه‌های صفت و همچنین دیدگاه‌های زیستی - روانی پیشنهاد می‌کنند که شخصیت نقش حساسی برای پیش‌بینی سازگاری دارد، یعنی عوامل خاصی از شخصیت مثل برونگرایی و روان رنجورخویی دارای گرایش‌های با دوام و با ثباتی هستند که به کیفیت مثبت یا منفی سازگار و آرامش روانی ختم می‌شوند و سایر رگه شخصیت مانند سازگاری و مسئولیت‌پذیر بودن در سازگاری و آرامش‌روانی دارای نقش غیرمستقیم و ابزاری هستند. هر فرد دارای یک سطح تعادل در سازگاری و سلامت روانی است. این سطح تعادل به وسیله ویژگی‌های شخصیتی به ویژه برونگرایی، روان رنجور خوبی و پذیرا بودن در برابر تجربیات جدید قابل پیش‌بینی است. به عبارت دیگر، هر چند سطح آرامش روانی و سازگاری می‌تواند در اثر تغییرات و رویدادهای جدید مثبت و منفی از حالت تعادل خارج شود، ویژگی‌های شخصیت می‌تواند به عنوان عامل برقرارکننده سطح تعادل بهنجار نقش مناسب خود را ایفا کند [۱۸]. در مطالعه‌ای اسپوتز (Spotts, E. L) و همکاران در سال ۲۰۰۴ نتیجه گرفتند که عوامل محیطی غیرمشترک و عوامل ژنتیکی کیفیت زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (به نقل از [۱۹]). در مطالعه‌ای دیگری که شخصیت را به عنوان منبعی برای تفاوت‌های فردی بررسی کردند، نتایج نشان داد که شخصیت زوجین در بهزیستی زندگی زناشویی آنها مؤثر است [۱۹]. چارانی (Charania, M. R) در سال ۲۰۰۷ در تحقیق خود نشان داد که شخصیت بر رضایت زناشویی تأثیر دارد. نتایج اثرات معناداری را برای باز بودن، مسئولیت‌پذیری، سازگاری، دلبستگی اضطرابی، جاذبه منفی و ویژگی اجتماعی - جنسی نشان داد [۲۰].

با مرد درون‌گرای عادی است که با کمترین سطح رضایت زناشویی همراه است [۲۲].

تحقیق ملازاده در ۱۳۸۱ نشان داد که بین هریک از عوامل شخصیتی روان رنجورخویی، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، پذیرا بودن و مسئولیت‌پذیر بودن با سازگاری زناشویی زوج‌ها رابطه معنادار دارد بدین‌صورت که بین بعد روان رنجورخویی و سازگاری زناشویی رابطه منفی و بین بقیه ابعاد شخصیتی و سازگاری زناشویی رابطه مثبتی وجود دارد (به نقل از، ۲۳). در تحقیق دیگری نتایج نشان داد که بین برخی از ویژگی‌های شخصیت از قبیل روان رنجورخویی، سازگار بودن، مسئولیت‌پذیری با رضایت زناشویی رابطه معنادار وجود دارد. عامل شخصیتی روان رنجورخویی با رضایت زناشویی رابطه منفی دارد ولی سایر عوامل شخصیتی برون‌گرایی، پذیرا بودن، سازگار بودن و مسئولیت‌پذیری با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارند. نتایج این تحقیق نشان داد که عوامل شخصیتی برون‌گرایی، پذیرا بودن، سازگار بودن و مسئولیت‌پذیری با رضایت زناشویی رابطه چندگانه دارند و ۰/۲۲ از واریانس زناشویی را تبیین می‌کنند [۲۴]. تحقیق سرمدی و همکاران در سال ۱۳۸۷ نشان داد که بین رضایت زناشویی و روان رنجورخویی رابطه منفی معنادار وجود دارد و بین سایر عوامل شخصیت با رضایت زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد [۲۵]. با توجه به مسائل بیان شده این سؤال مطرح می‌شود که آیا بین رضایت زناشویی و عوامل شخصیتی رابطه وجود دارد یا نه؟ در این راستا فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر بررسی شدند:

- ۱- بین روان رنجورخویی و رضایت زناشویی رابطه منفی معنادار وجود دارد. ۲- بین برون‌گرایی و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. ۳- بین پذیرا بودن و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. ۴- بین سازگار بودن و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. ۵- بین مسئولیت‌پذیری و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

رابینز (Rabins) و همکاران بر روی ۳۶۰ زوج با استفاده از پرسشنامه شخصیت چند بعدی (تهییج مثبت، تهییج منفی و محتاط بودن) پژوهشی انجام دادند که نتایج نشان داد نمره بالا در رضایت و شادکامی ارتباطی زن با تهییج منفی پایین و تهییج مثبت بالا و محتاط بودن بالای همسرش قابل پیش‌بینی است (و به طور غیر مستقیم با رضایت زناشویی) در عوض رضایت ارتباطی مرد فقط با تهییج منفی پائین همسرش قابل پیش‌بینی است [۱۶]. در تحقیق دیگری نشان داده شد که زوج‌های سازگار در ۱۵ عامل از ۱۶ عامل شخصیتی کتل با یکدیگر همبستگی داشتند که در ۸ عامل آنها معنادار بوده‌است. این عوامل شامل Q۳ (کنترل نشده - شده) I (محافظه‌کار - رادیکال) M (معقول - تخیلی) H (ترسو - جسور) G (مصلحتی - باوجدان) F (جدی - بی‌خیال) C (از نظر هیجانی ناپایدار - پایدار) B (سلطه‌پذیر - سلطه‌گر) می‌باشد، زوج‌های ناسازگار فقط در ۲ عامل O (مطمئن - نامطمئن) و Q۱ (محافظه‌کار - رادیکال) همبستگی مثبتی داشتند [۲۱].

نتایج تحقیق دانش با استفاده از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ و پرسشنامه شخصیتی آیزنگ (۵۷ سؤالی) نشان داد که:

۱- بهترین ترکیب ازدواجی است که یکی از زوج‌ها از نظر درون‌گرایی و برون‌گرایی درجه متوسط و دیگری درون‌گرای عادی باشد این ترکیب بالاترین رضایت را دارد.

۲- سطح رضایت زناشویی در ازدواجی که زوج‌ها هر دو برون‌گرای عادی هستند در مرتبه دوم و در ازدواجی که هر دو به طور مفرط درون‌گرا هستند و همچنین در ازدواجی که یکی از زوج‌ها درون‌گرا / برون‌گرای متوسط و دیگری درون‌گرای مفرط است در رتبه سوم قرار دارد. یکی دیگر از نتایج این بود که در ازدواجی که زن درون‌گرای عادی و شوهر برون‌گرای عادی است و در ازدواجی که یکی برون‌گرای مفرط و دیگری درون‌گرای عادی است سطح رضایت در مرتبه ۴ و ۵ است. بدترین ترکیب، ازدواج زن برون‌گرای عادی

روش

آزمودنی

روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل زنان و مردان متأهل نواحی ۱ و ۴ آموزش و پرورش شهر تبریز در سال ۱۳۸۶ بود. نمونه‌گیری با استفاده از روش چند مرحله‌ای (خوشه‌ای + تصادفی) انجام گرفت، نخست از بین ۵ ناحیه آموزش و پرورش تبریز به تصادف نواحی ۱ و ۴ انتخاب شدند، سپس از بین مدارس ابتدایی هر ناحیه ۲ مدرسه به تصادف به عنوان خوشه انتخاب و از هر مدرسه نیز ۱ کلاس انتخاب گردید که پرسشنامه‌ها در اختیار والدین دانش‌آموزان آن چهار کلاس قرار گرفت. از آنجا که در تحقیقات توصیفی به ازای هر متغیر ۲۵ نفر نمونه کفایت می‌کند [۲۶]، چون در این تحقیق جمعاً ۶ متغیر وجود داشت، ۱۵۰ نفر نمونه الزامی بود از این رو ۱۷۰ پرسشنامه توزیع گردید و در نهایت ۱۶۰ پرسشنامه (۸۰ زن، ۸۰ مرد) مورد تحلیل قرار گرفت. بیشترین فراوانی آزمودنی‌ها از لحاظ دامنه سنی ۲۶-۳۵ سال (۴۰/۶۳)، تعداد فرزند ۱-۲ (۸۸/۷۵) تفاوت سنی بیشتر از ۶ سال (۴۸/۷۴)، تحصیلات لیسانس (۳۹/۳۸) است.

نحوه جمع‌آوری اطلاعات و ابزار تحقیق

در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها به منظور بررسی رابطه رضایت زناشویی با عوامل شخصیتی از دو پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ و پرسشنامه شخصیتی NEO-FFI استفاده شد. پس از انتخاب افراد گروه نمونه در هر یک از مناطق این دو پرسشنامه در اختیار هر یک از افراد قرار گرفت. پس از ارائه توضیحات کافی در مورد نحوه پاسخ‌گویی شان از آنها خواسته شد تا نهایت دقت و حوصله را جهت تکمیل پرسشنامه‌ها داشته باشند.

پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ: این پرسشنامه توسط اولسن (Olson) و همکاران ساخته شد. این ابزار شامل ۴۷ ماده است که برای ارزیابی مشکلات بالقوه

زوج‌ها به کار می‌رود، ۱۲ مقیاس این پرسشنامه عبارتند از: پاسخ‌دادی، رضایت زناشویی، مسائل شخصی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، رابطه جنسی، فرزندان فرزند پروری، نقش‌های مساوات طلبی، جهت‌گیری مذهبی و بستگان و دوستان. اولسن و دیگران اعتبار این پرسشنامه را با روش ضریب آلفا ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند [۲۷]. در پژوهش سلیمانیان (۱۳۷۳) ضریب پایایی این پرسشنامه به صورت آلفا محاسبه و عدد ۰/۹۳ به دست آمده ضریب همبستگی پرسشنامه ENRICH با مقیاس‌های رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ و با مقیاس‌های رضایت از زندگی ۰/۳۳ تا ۰/۴۱ به دست آمده که نشانه‌ی روائی سازه آن است [۲۸]. پاسخنامه این تست بر اساس مقیاس لیکرت و در ۵ گزینه به صورت «کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم، کاملاً موافقم» می‌باشد که آزمودنی بر حسب میزان موافقت خود یکی از گزینه‌ها را علامت می‌زند. گزینه «نظری ندارم» زمانی است که آزمودنی نداند چه پاسخی به سؤال خاصی بدهد و از آزمودنی خواسته می‌شود حتی المقدور از این گزینه استفاده نکند. نمره‌گذاری سؤالات به صورت ۰، ۱، ۲، ۳، ۴، به ترتیب برای «کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، کاملاً مخالفم» است. برای نمره‌دهی لازم است سؤالات شماره (۴، ۶، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۷) را نمره‌گذاری معکوس کرد و با نمرات باقی سؤالات جمع کرد. نمره بالاتر نشان دهنده رضایت بیشتر زوجین از رابطه‌اشان است.

پرسشنامه شخصیتی NEO-FFI: این پرسشنامه توسط مک کری و کوستا در سال ۱۹۸۵ ساخته شد [۲۹]. گروسی و همکاران پرسشنامه نئو را در ایران هنجاریابی کرده‌اند این تست یکی از تست‌های مهم شخصیتی است که براساس تحلیل عوامل ساخته شده است. فرم کوتاه این ابزار که در این پژوهش استفاده شد شامل ۶۰ ماده است که ۵ عامل اصلی (روان رنجورخویی، برون‌گرایی،

روش بازآزمایی روی ۶۴ نفر به فاصله ۲ هفته برای پنج عامل به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۴، ۰/۷۹، ۰/۸۰ و ۰/۸۲ و نیز ضریب آلفای کرونباخ پنج عامل به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۶۵، ۰/۵۹، ۰/۴۸ و ۰/۷۵ گزارش شده است [۳۲]. ضریب آلفای گزارش شده توسط مک کری و کاستا بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۹ با میانگین ۰/۸۱ متغیر بوده است [۳۳].

شیوه تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های انریچ و NEO-FFI ابتدا با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و سپس تحلیل رگرسیون چند گانه انجام شد.

نتایج

نتایج حاصل از تحقیق با استفاده از روش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که بین روان رنجورخویی و رضایت زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد ($r = -0.37$). به عبارت دیگر هر قدر فرد روان رنجورتر باشد، رضایت زناشویی اش پایین تر است. بین برونگرایی و رضایت زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($r = 0.26$). یعنی هر چه فرد برونگرتر باشد رضایت زناشویی اش بالاتر است. بین سازگار بودن و

پذیرا بودن به تجربه، سازگار بودن، و مسئولیت‌پذیر بودن) و ۶ خصوصیت در هر عامل را می‌سنجد. در این تست برای هر عامل ۱۲ سؤال اختصاص یافته است، ماده‌ها به صورت ۵ گزینه‌ای (کاملاً موافق، موافق، نه موافق نه مخالف، مخالف، کاملاً مخالف) است و نمره‌های ۰ تا ۴ به این گزینه‌ها تعلق می‌گیرد [۳۰]. پرسشنامه شخصیتی نئو و پرسشنامه ۵ عامل نئو تقریباً صفات یکسان را در توزیع طبیعی اندازه می‌گیرند. اغلب افراد نمراتی در حد متوسط مقیاس‌ها می‌گیرند و درصد کمی از آنها در ۲ انتهای منحنی قرار می‌گیرند، صفات شخصیتی نسبت به سایر افراد سنجیده می‌شوند تا نسبت به صفات موجود در خود فرد. در طراحی فرم‌های نیم‌رخ و گزارش‌های تفسیری فرم تجدیدنظر شده پرسشنامه شخصیتی نئو، گروسی و همکاران نتایج را در ۵ سطح: خیلی پایین، پایین، متوسط، بالا و خیلی بالا خلاصه کرده‌اند. در تمامی افرادی که این آزمون را اجرا کرده‌اند به طور تقریبی ۳۸ درصد نمرات در حد متوسط، ۲۴ درصد نمرات در حد بالا، ۲۴ درصد نمرات در حد پایین و ۷ درصد در حد خیلی بالاتر و خیلی پایین تر است. در این آزمون خط واحدی افرادی که صفتی را دارا هستند از اشخاصی که این صفت را ندارند جدا نمی‌کند. داشتن حد پایین یا متوسط در یک مقیاس از این آزمون می‌تواند به اندازه یک حد بالا آگاهی بخش باشد [۳۱]. پایایی این ابزار با استفاده از

جدول ۱. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	رضایت زناشویی	روان رنجورخویی	برونگرایی	سازگار بودن	پذیرا بودن	مسئولیت‌پذیری
رضایت زناشویی	۱					
روان رنجورخویی	** ۰/۳۷ -	۱				
برونگرایی	** ۰/۲۶	** ۰/۳۵ -	۱			
پذیرا بودن	۰/۰۵	۰/۰۳ -	** ۰/۲۱	۱		
سازگار بودن	** ۰/۲۹	** ۰/۲۲ -	** ۰/۲۳	* ۰/۱۸	۱	
مسئولیت‌پذیری	** ۰/۲۸	** ۰/۳۲ -	** ۰/۴۶	** ۰/۲۸	** ۰/۳۵	۱
میانگین	۴۶/۰۱	۲۱/۵۳	۲۸/۸۴	۲۸/۷۲	۲۹/۵۰	۳۴/۳۴
انحراف معیار	۹/۷۲	۶/۳۶	۵/۲۱	۴/۹۸	۴/۵۴	۶/۳۶

* $p < 0.05$

** $p < 0.01$

جدول ۲. خلاصه مدل رگرسیون در تبیین تغییرات متغیر رضایت زناشویی از روی عوامل شخصیتی

خطای استاندارد برآورد	مجدور R تعدیل شده	R مجدور	R
۸/۸۳	۰/۱۷	۰/۲۰	۰/۴۴

جدول ۳. تحلیل واریانس رگرسیون رضایت زناشویی بر عوامل شخصیتی

شاخص	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۳۰۲۴/۶۵	۵	۶۰۴/۹۳	۷/۷۵	۰/۰۰
باقی مانده	۱۲۰۱۳/۳۱	۱۵۴	۳۰۲۴/۶۵		
کل	۱۵۰۳۷/۹۷	۱۵۹			

جدول ۴. ضرایب پیش‌بینی رضایت زناشویی از روی عوامل شخصیتی

شاخص متغیر	B	بتا	T	سطح معناداری
روان رنجورخویی	-۰/۴۰	-۰/۲۶	-۳/۳۴	۰/۰۰
برونگرایی	۰/۱۷	۰/۰۹	۱/۱۳	۰/۲۵
سازگار بودن	-۰/۰۷	-۰/۰۳	-۰/۴۹	۰/۶۲
پذیرا بودن	۰/۳۸	۰/۱۸	۲/۳۱	۰/۰۲
مسئولیت‌پذیری	۰/۱۴	۰/۰۹	۱/۰۸	۰/۲۷

مندرجات جدول ۴ بیانگر این است که متغیرهای روان رنجورخویی و پذیرا بودن به تجربه بیشترین سهم را در پیش‌بینی رضایت زناشویی دارند.

بحث در نتایج

هدف اصلی در این پژوهش بررسی رابطه رضایت زناشویی و عوامل شخصیتی NEO-FFI بود. در یک جمع‌بندی کلی نتایج نشان داد که روان رنجورخویی به عنوان بعدی منفی در ابعاد شخصیت و تأثیر منفی آن بر سازگاری افراد (به خصوص در مسایل زناشویی) بیشتر مورد تأکید بوده است که مؤید فرضیه اول پژوهش است. این یافته با نتایج عطارزاده و همکاران، ۱۳۸۵؛ سرمدی و همکاران، ۱۳۸۷؛ کارنی و برادبوری، ۱۹۹۵؛ راسل و ویلز، ۱۹۹۴؛ دونلن، کانگر و بریانت، ۲۰۰۰] به نقل از ۲۹] همسو است. روان رنجورخویی بیشترین سهم را در پیش‌بینی رضایت زناشویی داشته است. از آنجا که نمره بالا در روان رنجورخویی با بی‌ثباتی

رضایت زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($r=0/29$). یعنی هر چه فرد سازش‌پذیرتر باشد رضایت زناشویی‌اش بالاتر است. بین مسئولیت‌پذیری و رضایت زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($r=0/28$). یعنی هر چه فرد مسئولیت‌پذیرتر باشد رضایت زناشویی‌اش بالاتر است.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که متغیرهای پیش‌بینی (مؤلفه‌های شخصیت) ۲۰ درصد از تغییرات را پیش‌بینی می‌کنند. برای نشان دادن اینکه تأثیر مؤلفه‌ها معنادار است یا نه جدول تحلیل واریانس (جدول ۳) به شرح زیر تنظیم شده است.

جدول ۳ نشان‌دهنده معنادار بودن پیش‌بینی است. بر این اساس حداقل یکی از متغیرها، نقش تعیین‌دار دارد. بنابراین سهم جداگانه هر متغیر در جدول بعدی آورده شده است.

عاطفی و عواطف منفی مثل ترس، غم، دستپاچگی، عصبانیت، احساس گناه و نفرت همراه است و کسانی که در این حیطه نمرات بالایی کسب می‌کنند، تمایل بیشتری به نکانشگری، پرخاشگری و آسیب‌پذیری دارند. افرادی که در روان رنجورخویی نمره بالایی دارند آمادگی آنها برای نشان دادن اضطراب در موقعیتهای تنیدگی‌زا بیشتر است و عمدتاً از روش‌های متمرکز بر هیجان استفاده می‌کنند. بر عکس افرادی که در بعد روان رنجورخویی نمره پایین به‌دست می‌آورند معمولاً از روش متمرکز بر مساله استفاده می‌کنند و در نتیجه سلامت روانی بالایی دارند. این ویژگی‌ها روابط میان زن و شوهر را تحت تأثیر قرار داده و منجر به عدم رضایت افراد از زندگی زناشویی شان می‌شود.

برونگرایی با رضایت زناشویی همبستگی مثبت دارد ($r = .1$ ، $p < .05$ و $r = .28$). این یافته مؤید فرضیه پنجم پژوهش بوده و با نتایج ملازاده، ۱۳۸۱؛ عطارزاده و همکاران، ۱۳۸۵؛ کاسیلاس و واتسون، ۲۰۰۰ [به نقل از ۲۴] همسو است. مسئولیت‌پذیری با قابل اعتماد بودن، سخت‌کوشی، منظم و با دقت بودن همراه است. افرادی که در این عامل نمره بالایی می‌گیرند احتمالاً سالم‌ترند و بیشتر زنده می‌مانند. سازگار بودن و مسئولیت‌پذیر بودن در الگوی مک‌کری - کوستا حد پایین بعد روان پریش‌خویی آیزنگ را نشان می‌دهد. اشخاصی که در سازگار بودن و مسئولیت‌پذیر بودن نمره بالایی می‌گیرند از اشخاصی که در این صفات پایین بودند سلامت هیجانی بیشتری را نشان می‌دهند [۳۰]. اغلب زوج‌هایی که به دلیل تعارض‌های موجود در زندگی مشترکشان مجبور به ترک یکدیگر و جدایی شده‌اند اظهار می‌کنند که در صورت آگاهی نسبت به عوامل مؤثر در پایداری زندگی زناشویی، می‌توانستند زندگی بهتری را پی‌ریزی کنند. دستیابی به آگاهی مورد نظر، مستلزم بررسی عواملی است که احساس رضایت فرد را از ازدواج افزایش می‌دهد و در نهایت زندگی پایداری را برای وی فراهم می‌آورد [۳۴].

تفاهم در روابط زناشویی و رضایتمندی از زندگی پیامد فرآیندهای بین فردی است، کیفیت روابط زناشویی و میزان شادمانی زناشویی تابع نحوه تعامل زن و شوهر و شیوه مقابله آن‌ها با موقعیت‌های تنش‌زای زندگی است. با توجه به پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از پرسشنامه NEO-FFI به عنوان مقیاس سنجش سبک‌های ارتباطی، هیجانی و انگیزشی برای مشاوره ازدواج مفید است. استفاده از این پرسشنامه در مشاوره ازدواج کمک می‌کند تا افراد درک بهتری از

برونگرایی با رضایت زناشویی همبستگی مثبت دارد ($r = .1$ ، $p < .05$ و $r = .26$). این یافته مؤید فرضیه دوم پژوهش بوده و با نتایج ملازاده، ۱۳۸۱؛ عطارزاده و همکاران، ۱۳۸۵؛ سرمدی و همکاران، ۱۳۸۷؛ کاسیلاس و واتسون، ۲۰۰۰ [به نقل از ۲۴] همسو است. در توضیح این یافته به نظر می‌رسد که عامل برونگرایی با هیجان‌ات مثبت از قبیل بشاش بودن، خوش‌بینی، عشق و صمیمیت ارتباط دارد. افرادی که در برونگرایی نمره بالایی می‌گیرند معمولاً احساسات و عواطف خود را براحتی بروز می‌دهند و دارای قدرت بازداری کمی هستند. اجتماعی بودن و فعال بودن از خصوصیات این افراد است. تمام این موارد بر روابط بین زن و شوهر تأثیر مثبتی دارد. برون‌گرایی به صورت مثبت با سلامت هیجانی ارتباط دارد و کسانی که در برون‌گرایی نمره بالایی کسب می‌کنند بهتر از آنهایی که نمره کمی در برون‌گرایی کسب می‌کنند قادر به کنار آمدن با استرس‌های روزمره هستند.

پذیرا بودن در پیش‌بینی رضایت زناشویی ۳۸٪ سهم داشته است ($r = .38$ و $p < .05$). این یافته مؤید فرضیه سوم پژوهش بوده و با نتایج دونلن، کانگر و بریانت ۲۰۰۰ [به نقل از ۲۹] همسو است. سازگار بودن با رضایت زناشویی همبستگی مثبت دارد ($r = .1$ ، $p < .05$ و

خود داشته باشند، رابطه بین شخصیت‌های خود با یکدیگر را دریابند و نیز به این نکته پی ببرند که هر یک خود را متفاوت از آن چیزی می‌بیند که طرف مقابل برداشت می‌کند. در نهایت می‌توان گفت، آگاهی زن و شوهرها از ویژگی‌های طرف مقابل منجر به درک بهتر همدیگر و رضایت زناشویی بیشتر می‌شود.

منابع

10. Hollist, C. S.; Miller, R. B.; Falceto, O. G.; Fernandes, L. C. (2007). Marital satisfaction and Depression: A Replication of the Marital Discord Model in a Latino Sample. *Family Process*, 46(4), pp.485-498.
11. Dowd, D. A., Means, M. J., Pope, J. F., Humphries, J. H. (2005). Attributions and Marital Satisfaction: The Mediated Effects of Self- Disclosure. *Journal of Family and Consumer Sciences*, 18, pp. 25-33.
12. Parker, R.(2000). How Partners in long-term relationship view marriage *Journal of personality and social psychology*, 79(2), pp.343-352.
13. Heller, D., & Watson, D. (2005). The dynamic spillover of satisfaction between work and marriage: The role of time and mood. *Journal of Applied Psychology*, 90, pp. 1273-1279.
14. Parker, R.(2002). Why marriages last: a discussion of the literature. *Journal of personality and social psychology*, 81(2), pp.435-448.
۱۵. صدق آمیز، خ. (۱۳۷۶). بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی در شهر شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم انسانی، دانشکده تحصیلات تکمیلی. دانشگاه تهران.
16. Robins, R. W, etal.(2000). Two personalites, one relationship. Both partners personality traits shape the quality of their relationship. *Journal of personality and social psychology*, 79(2), pp. 251-259.
۱۷. پروین، لورنس؛ جان، اولیور (۱۳۸۱). شخصیت: نظریه و پژوهش، ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور. تهران: انتشارات آبیژ.
۱۸. ملازاده، جواد (۱۳۸۱). رابطه سازگاری زناشویی با عوامل شخصیت و سبک‌های مقابله در فرزندان شاهد. پایان‌نامه دکتری. دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
19. Spotts, E. L.; Lichtenstein, P.; Pedersen, N.; Neiderhiser, J. M.; Hansson, K.; Cederblad, M. & Reiss, D (2005). Personality and marital satisfaction: a behavioral analysis. *European Journal of Personality*, 19(3), pp. 205- 227.
20. Charania, M. R. (2007). Personality Influence on Marital Satisfaction: An Examination of Actor, Partner, and Interaction Effects. *University of Texas at artington*, 14(2), pp. 187-208.
۲۱. ملازاده، جواد (۱۳۷۲). بررسی ویژگی‌های شخصیتی در رابطه عوامل تنیدگی‌های زناشویی در زوج‌های در حال طلاق و سازگار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۲. دانش، عصمت (۱۳۸۴). تأثیر همانندی / تضاد در ویژگی‌های شخصیتی درون‌گرایی و برون‌گرایی بر رضایت زناشویی. دانشور رفتار، دوماهنامه علمی- پژوهشی دانشگاه شاهد، سال دوازدهم- شماره ۱۰، صص ۶۷-۵۷.
1. Rosen- Grandon, J. R., Myers, J. E., Hattie, J. A. (2004). The relationship between marital characteristics, marital interaction processes, and marital satisfaction. *Journal of Counseling and Development*, 82(1), pp. 58-68.
2. Mayers, J. E.; Madathil, J.; Tingle, L (2005). Marriage satisfaction and wellness in India and United States: a Personality comparison of arranged marriages and marriages of choice. *Journal of Counseling and Development*, 83, pp. 183-190.
3. Robert, J. W.(2004). Reading others Emotions: The Rolr of Intuitive Judgments in Predicting Marrital Satisfaction, Quality and Stability. *Journal of marital and family therapy*, 66, pp.54-66.
۴. احمدی، خدابخش (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری زوجین و مقایسه دو روش مداخله‌ای تغییر شیوه زندگی و حل مشکل خانوادگی در کاهش ناسازگاری زناشویی، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
5. Karney, B. & Coombs, R. H.(2000). Memory biasin longterm close relationships: Consistency or in provement. *Personality and social psychology bullentin*, 26(8), pp.159-170.
6. Kurdek, L. (2005). Gender and marital satisfaction early in marriage: A growth carve approach. *Journal of marital and family therapy*, 67, pp.68-84.
۷. منصور، لادن؛ ادیب راد، نسترن (۱۳۸۳). مقایسه بین تعارض زناشویی و ابعاد آن در مراجعین زن مرکز خدمات مشاوره‌ای دانشگاه شهید بهشتی و زنان عادی، فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، جلد ۳، شماره ۱۱، صص ۶۴-۴۷.
۸. دانش، عصمت (۱۳۸۳). تأثیر خودشناسی اسلامی در افزایش میزان سازگاری زناشویی، فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، جلد ۳، شماره ۱۱، صص ۳۰-۸.
۹. حسینی، فریده سادات؛ حسین چاری، مسعود (۱۳۸۷). بررسی سازگاری زناشویی و بهداشت روانی، مجموعه مقالات چهارمین سمینار بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه شیراز.

۳۰. گروسی فرشی، میرتقی، مهریار امیر هوشنگ و قاضی طباطبایی، محمود. (۱۳۸۰) کاربرد آزمون شخصیتی نئو و بررسی تحلیل ویژگی‌ها و ساختار عامل آن در دانشجویان دانشگاه‌های ایران. فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال ۱۱، شماره ۳۹، صص ۱۹۸-۱۷۳.
۳۱. گروسی فرشی، میرتقی. (۱۳۸۰) ارزیابی نوین شخصیت. تبریز: انتشارات سعادت.
۳۲. عطاری، یوسفعلی؛ مهربایی زاده هنرمند، مهناز؛ امان الهی، عباس و نکویی، سمیه (۱۳۸۵). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیت با رضایت زناشویی در کارکنان زن اداره دولتی شهر اهواز. چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، دانشگاه شهید بهشتی.
33. McCrea, R. & Costa, P, T.& (1991). Adding Liebeund Arbeit: The full five-factor model and well- being. personality and social psychology Bulletin.17, pp. 227-232.
۳۴. صیادپور، زهره (۱۳۸۳) ازدواج موفق: بررسی رضایت از ازدواج در دانشجویان. فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسان ایرانی. سال اول، شماره ۲، صص ۱۵۷-۱۴۵.
۲۳. فروغان فر، مریم (۱۳۸۵). رابطه شیوه‌های حل مساله با سازگاری زناشویی در دانشجویان متأهل شهید بهشتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۴. عطارزاده، عبدالکریم؛ مومبینی، شمس؛ کاظمی، زهرا؛ نامجو و ایزدپناه، اکبر. (۱۳۸۵). بررسی رابطه ساده و چندگانه بین ویژگی‌های شخصیت و وسواس با رضایت زناشویی. چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۵. سردی، افسانه؛ داوودی، حسین؛ پیرانی، ذبیح؛ گیوکی، ابراهیم (۱۳۸۷). رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت NEO-R و رضایت زناشویی. چکیده مقالات همایش ملی روان‌شناسی و کاربرد آن در جامعه. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
۲۶. دلاور، علی (۱۳۷۴). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی. تهران: انتشارات رشد.
۲۷. ثنایی ذاکر، باقر (۱۳۷۹). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
۲۸. سلیمانیان، علی اکبر (۱۳۷۳). بررسی رابطه باورهای غیر منطقی و رضایت زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت معلم تهران.
29. Costa, P, T.& McCrea, R.(1985). Influence of extraversion and on neuroticism subjective well-being: happy and unhappy people. Journal of personality and social psychology. 28(4), pp. 668-678.